

مر آن روز را نوروز خواندند...

تحقیق و تهیه از: حسن شهرزاد

نوروز یا «روزنو» از زمانهای بسیار کهن آیت فر و شکوه و مظهر زیبایی و پیام آور مهر و پیروزی برای ایرانیان بوده است.

در افسانه‌های ایرانی از نوروز و پیدایش آن چنین سخن رفته:

«... اهریمن بلای خشکسالی و قحطی را بر زمین مسلط کرد. جمشید برای جنگ با اهریمن و از میان بردن قحطی، به سوی جنوب رفت و اهریمن را شکست داد، بلای قحطی را برانداخت و چون به زمین بازگشت نور از چهره وی می‌شتافت. در این روز

درختها و هر چوب خشک هم سبز می‌شد. مردم این روز را «نوروز» خواندند و هر کس برای تبرک در طشتی «بوه» کاشت و رسم سبز کاشتن در ایام نوروز از آن زمان مانده است...»

به روایتی، ایرانیان قدیم، از روز اول فروردین تا روز دوازدهم به جشن و شادمانی می‌پرداختند و به دیدار اقوام و آشنایان می‌رفتند و روز سیزدهم برای سپاسگزاری از ایزد یکتا رو به دشت و دمن می‌آوردند و خود را به دست طبیعت سبز و زیبا می‌سپردند، تا شب هنگام که «نوروز» پایان می‌گرفت. در «نوروز» ایرانیان همان طور که خانه و کاشانه خود را از گرد و غبار می‌زدودند کینه‌ها و دشمنی‌ها را از خود دور می‌کردند و به مهریانی و دوستی روی می‌آوردند.

پیدایش نوروز

درباره چگونگی پیدایش نوروز روایات بسیاری داریم، ابراهیم پورداود، در پشت‌ها چنین می‌آورد: «... نیاکان ما هر یک از سی روز ماه را به نامی می‌خواندند، روز ششم را خرداد می‌نامیدند، «خرداد» روز، در فروردین ماه آخرین روز جشن نوروز ایشان بود و «نوروز خردادی...» یا «نوروز بزرگ» یا «نوروز خاصه» خوانده می‌شد و آن را بهترین و گرمی‌ترین روزها می‌دانستند و بر آن بودند که بسیاری از کارهای بزرگ در آن روز انجام گرفته یا خواهد گرفت و در برتری ویژگیهای آن سخن‌ها و داستان‌ها می‌گفتند... یکی از استاد دیگری که در آن در مورد نوروز اشارتی به کمال رفته «شاهنامه» اثر جاویدان حکیم بزرگ ابولقاسم فردوسی است.

همه کرد دنیا چون آمد به جای

ز جای مهبی برتر آورد پای

به جمشید بر گوهر افشاندند

مر آن روز را روز نو خواندند

چنین جشن فرخ از آن روزگار

به ما ماند زان خسروان یادگار

حکیم عمر خیام در رساله نوروز نامه خود می‌نویسد:

«... در زمان جمشید، آفتاب به اول حمل باز

آمد و جهان راست گشت. پس در این روز جشن

ساخت و نوروزش نام نهاد و آن روز نو دانند...»

جشن نوروز در ایران باستان به دو صورت انجام

کشیده قفقاز تا کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در عمان و بحرین، و از کرانه‌های مدیترانه تا هند و سند آن را روز شادی شناخته‌اند و حتی امروزه نوروز را جزو تعطیلات رسمی خود قرار داده‌اند... به عنوان نمونه، مردم تاجیکستان پس از فروپاشی شوروی، نوروز را روز ملی خود اعلام کرده‌اند

«دکتر بهرام فره‌وشی» می‌نویسد:

اعراب نیز این جشن را گرامی می‌داشتند و

آن را به نام «فیروزه» جشن می‌گرفتند. امروز نیز



«هفت سین»

چند روز پیش از تحویل سال نو، همچنانکه امروز نیز در بین تمام اقوام ایرانی رسم است، سفره نوروزی را می‌آراستند و در این سفره به نشان عدد مقدس هفت، یک سینی را پر از گل، میوه و شیرینی می‌کردند و بر سفره می‌نهادند.

در این سفره هفت خوردنی و یا اشیائی که نام اول آن با حرف «سین» شروع شود (مانند سیب - سماق - سبزی - سرکه - سنجید - سمنو و سبزه‌ای که از گندم یا عدس سبز کرده بودند) می‌گذاشتند. پنیر و تنگ و یا قدحی پر از آب که در آن ماهی قرمزی وجود داشت می‌گذاشتند. این سفره تا پایان جشنهای نوروزی در خانه ایرانیان گسترده می‌ماند.

در برخی از نقاط جهان در یوگسلاوی، در آفریقا و دیگر سرزمین‌ها این جشن هنوز زنده است. مردم مسلمان یوگسلاوی به ویژه در «سارایوو» آن را به نام نوروز جشن می‌گیرند...

«نوروز در اسلام»

اقوام ایرانی از دیر باز مراسم نوروز را با تفاوتی خاصی خصوصاً با آداب و رسوم خاص منطقه جغرافیائی خود برگزار می‌کنند، ولی در یک چیز تمام قبایل و طوایف مشترک هستند و آن حفظ و حراست

می‌گرفت یکی با تشریفات درباری و دیگری به صورت عید ملی که همگان در آن شرکت می‌کردند. در انتخاب نوروز که نخستین روز بهار است ایرانیان ذوق و خردمندی بسیاری بکار برده‌اند، زیرا در نوروز طبیعت نیز همراه و همگام با ایرانیان جشن شکفتن و شکوفایی برپا می‌کنند.

جشن نوروز آن چنان از بار فرهنگی قوی برخوردار است که در حال حاضر توده‌های مردم هم‌نژاد ما در خارج از مرزهای کنونی ایران، از سمرقند و بخارا تا دریای هند و از کوه‌های سر به فلک

نوروز رانه ایرانیان که ملتهای بسیاری جشن می‌گیرند

آیین فرخنده اسلام و ارزش‌های معنوی آن است.

از اینرو بعد از اسلام آداب و رسوم ایرانیان با اعتقادات مذهبی در هم آمیخت و از این آمیزه، آداب و سنتی کهن و در شان قومی با تاریخی درخشان پدید آمد.

زننده یاد «دکتر علی شریعتی» می‌نویسد:

«... اسلام که همه رنگ‌های قومیت را زدود و سنت‌ها را دگرگون کرد، نوروز را جلای بیشتر داد، شیرازه بست و آن را با پشتوانه‌ای استوار، از خطر زوال در دوران مسلمانی ایرانیان، مصون داشت. انتخاب علی «ع» به خلافت و نیز انتخاب علی «ع» به وصایت، در غدیر خم هر دو در این هنگام بوده است و چه تصادف شگفتی! آن همه خلوص و ایمان و عشقی که ایرانیان در اسلام به علی و حکومت علی داشتند پشتوانه نوروز شد.

نوروز که با جان ملیت زنده بود، روح مذهب نیز گرفت، سنت ملی و نژادی، با ایمان مذهبی و عشق نیرومند تازه‌ای که در دل‌های مردم این سرزمین برپا شده بود پیوند خورد و محکم گشت، مقدس شد و در دوران صفویه، رسماً یک شعار شیعی گردید و مملو از اخلاص و ایمان و همراه با دعاها و اوراد ویژه خویش، آن چنان که یک سال نوروز و عاشورا در یک روز افتاد و پادشاه صفوی، آن روز را عاشورا گرفت و روز بعد را نوروز.

پیامبر اسلام «ص» و نوروز

«عبدالصمد بن علی» در روایتی که آن را به جد خود ابن عباس می‌رساند نقل می‌کند که در نوروز ظرفی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر (ص) هدیه آوردند، آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند امروز نوروز است.

پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود آری در این روز بود که خداوند «عسکره» را زنده کرد، پرسیدند «عسکره» چیست؟ فرمود «عسکره» هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرهارا امر فرمود که به آنان بیارد. از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده، سپس از آن حلوا تناول فرمود و بقیه را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت:

دکاش هر روزی برای ما نوروز بود...

برگزاری مراسم نوروز با اینکه در اصول با هم تفاوت چندانی ندارند، اما در همه نقاط به یک شکل انجام نمی‌گیرد.

از این گذشته، این سنت ملی در بعضی مراسم مذهبی جنبه دینی و اعتقادی پیدا کرده است.

مردم فارس و عموم شهرهای جنوب ایران سفره‌ای دارند به نام «سفره حضرت خضر» بیشتر غذاها و خوردنی‌های دیگر را که بر سر این سفره می‌گذارند در واقع همان سفره عید نوروز است. کسانی که بر سر سفره دعوت شده‌اند باید پاک باشند، بعد از خواندن دو رکعت نماز حاجت و نیایش خداوند متعال و خواندن قرآن آنگاه از غذاها و دیگر خوردنیها تناول می‌کنند.

«سنت‌های نوروزی»

یکی از سنت‌های بسیار پسندیده نوروز همانا خانه‌تکانی قبل از سال نو است، زیرا کسانی هستند که به نظافت خانه و کاشانه خود چندان توجه ندارند، ولی

در جنوب ایران مردم عقیده دارند که شب عید باید اجاق خانه روشن باشد... دیگر اینکه کسی که نخستین عیدی یا دشت را می‌دهد، باید خوش دست باشد. از اینرو عیدی گیرنده آن سکه را تا سال دیگر به عنوان مایه در جیب یا کیسه خود نگاه می‌داشت.

عادات شمالی‌ها

در شمال ایران رسم بر این است که اسپند را از سیدی که دکانش رو به قبله است می‌خرند... اگر درختی میوه نمی‌دهد، صاحب درخت تبر برمی‌دارد تا درخت را قطع کند... در آن حال طبق قرار قبلی شخصی میانجی می‌شود و می‌گوید درخت را قطع



مکن، من قول می‌دهم که سال نو میوه بدهد. این رسم در مورد حیوانات و مرغان خانگی نازا نیز اجرا می‌شود.

چهارشنبه سوری

یکی دیگر از سنن دلپذیر و ملی ایرانیان که در تمام نقاط ایران، حتی خارج از مرزهای کنونی برگزار می‌شود، مراسم چهارشنبه‌سوری است. در این شب که شب چهارشنبه پایان سال است، در هر گوشه و کنار ایران زمین آتش‌های پرشکوهی از خار و هیزم برافروخته می‌شود و پیر و جوان در هر کوی و برزن از روی شعله‌های آن می‌پرند و شادمانه ترانه بسیار کهن و زیبای:

حداقل سالی یکبار به این کار دست زده و محیط اطراف خود را پاکسازی می‌کنند.

باید گفت که هر یک از سنت‌های نوروزی دارای فلسفه‌ایست. از جمله سبز کردن سبزه که گذشته از زیبایی‌نشانه‌ای از کشت و زرع و خیر و برکت است. خرید لباس نو و کفش نو برای خانواده خصوصاً بچه‌ها گذشته از این که شادی آفرین است، جامه‌های کهنه را به نو و تمیز مبدل می‌کند.

در گذشته پیش از جشن نوروزی کشاورزان بذر هفت نوع غله‌ی سودمند را سبز می‌کردند و اعتقاد داشتند که هر کدام از آن‌ها شاداب‌تر رشد کرد، در آن سال همان گیاه بیشتر بار می‌دهد و به همین جهت از آن گیاه بیشتر کشت می‌کردند.

چند رویداد بزرگ اسلامی در نورز به وقوع پیوسته است

زردی من از تو

سرخی تو از من

را می خوانند و ملال سال گذشته را در آن می اندازند و سرخی و دلپذیری و شادابی آتش را در خود برای سال تازه که از راه می رسد ذخیره می کنند.

در باب پیدایش این سنت سخن بسیار رفته، از قیام کاوه آهنگر گرفته تا قیام ابومسلم و ...

گویند چون مختار به خونخواهی حضرت حسین (ع) و یارانش برخاست، در شبی که چهارشنبه آخر سال بود، برای شناسایی شیعه از غیر شیعه دستور داد آنان که شیعه هستند بر بام خانه خود آتش بیروزند تا آتانی که بد کرده اند مورد قهر قرار گیرند و به مجازات خود برسند و از آن پس این سنت جاری شد...

«صادق همایونی» شاعر و محقق درباره این رسم در شیراز می نویسد:

«... دختران شیرازی در گذشته عقیده داشتند که در این شب حتماً باید به «سعدیه» روند و آنجا آب تنی کنند و با جامهای مخصوصی که دعا روی آن نوشته شده بود آب روی سر و نشان بریزند تا بخشان باز شود. زنان شوهردار هم فکر می کردند که اگر به «سعدیه» روند و یکی دو تا از ماهی های موجود در حوض آن را زنده زنده ببلعند، محبت آن ها در دل شوهرانشان افزون خواهد شد...»

فال گوش

فال گوش از مراسم زیبایی است که در بین تمام اقوام ایرانی از گذشته تا امروز متداول است. کسانی که قصد فال گوش می گیرند را دارند، اول موضوعی را پیش خود نیت می کنند و بعد در تاریکی شب در معابر پنهانی می ایستند و یا در حرکت به گفتگوی اولین عابری که از کنارش می گذرد گوش می دهند و از گفتگوی آن ها برداشتی که منظور دارند به دست می آورند.

آتش افروز و حاجی فیروز

در تهران قدیم، آتش افروزها با تار و تنبور، دایره و تنبک به کوی و برزن می آمدند، آتش افروز همان شکل و شمایل حاجی فیروزها را داشت با این تفاوت که چهره ی خود را سیاه نمی کرد، بلکه ماسک مخصوصی که شبیه حیوانات یا دیو بود و آن را روی صورت می گذاشت ظاهر می شد و با آتش کارهای تماشایی می کرد. پشتک و وارو می زد و می رقصید و بعضی اوقات از دهانش شعله آتش بیرون می آورد.

اما حاجی فیروز با خاکه ذغال و یا دوده بخاری چهره خود را سیاه می کرد، کلاه شیوری و یا استوانه ای بلندی که از کاغذهای رنگی درست شده

بود بر سر می گذاشت و جامه رنگین چل تکه که زنگوله به آن دوخته بود بر تن می کرد و با رقص و شادمانی شعر

حاجی فیروز من سالی به روزم من

را می خواند.

رسم دیگری که در تهران قدیم بانوان خرافاتی سخت به آن پایبند بودند رفتن به میدان «ارک» و نشستن بر توپ مروارید یا عبور از اطراف آن بود و عقیده داشتند که اگر هنگام تحویل سوار توپ باشند، حاجات آنان برآورده می شود. به همین علت آن چنان غوغایی در سر تحویل سال نو در اطراف «توپ مروارید» درمی گرفت که فراشان دولتی که در گوشه و کنار قصر شاهی بودند ناچار با ترکه به جان بانوان خرافاتی می افتادند.

مردم تهران قدیم معمولاً شام شب عیدشان سبزی پلو با ماهی و کوکو یا رشته پلو بود، که این رسم هنوز هم کم و بیش اجرا می شود.

«سیزده بدر»

یکی دیگر از مراسم بسیار زیبای نوروزی سیزده بدر است. در ایران قدیم به روایتی ایرانیان از روز اول فروردین تا روز دوازده به شادی می پرداختند و به دیدار هم می رفتند و روز سیزدهم برای سپاس از خداوند رو به دشت و صحرا می گذاشتند و خود را به دست طبیعت سرسبز و زیبا می سپردند. همچنین سبزه ای را که در خانه سبز کرده بودند، در صحرا رها می کردند.

طوایف و اقوام گوناگون ایرانی هر یک ستهایی مخصوص به خود برای سیزده نوروز داشتند.

در ایل بختیاری رسم بر اینست برای این که روز سیزده نوروز هوا آفتابی باشد، زنها چشم خروسی را سرمه می کشند، یا اگر هوا از روزهای قبل از سیزده بارانی باشد، اسم «چهل کچل» را می نویسند و با نخ چهل گره در زیر ناودان آویزان می کنند تا باران بند بیاید و روز سیزده باشکوهی داشته باشند.

هاتورا

(با مسؤولیت محدود)

راه تبلیغ کالا و خدمات شما را هموار می کند خدمات ما در هر نقطه از ایران قابل ارائه است :

- مشاوره تبلیغاتی در کلیه امور تولیدی و خدماتی (اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی، صادرات و واردات، فرهنگی و آموزشی)
- تهیه و انتشار هر نوع مجله، نشریه و بولتن عملکرد و فعالیت مؤسسه ها.
- تهیه و تولید انواع فیلم های صنعتی، آموزشی و مستند به طریق ۳۵ میلیمتری و ویدئویی.
- ساخت انواع تیزرهای تبلیغاتی تلویزیونی و آونسهای سینمایی.
- عکسبرداری و تهیه اسلاید صنعتی، تبلیغاتی و آموزشی.
- طراحی انواع بروشور، کاتالوک، پوستر و سورسید.
- انجام کلیه امور مربوط به چاپ و لیتوگرافی و صحافی.
- انجام کلیه امور مربوط به دکوراسیون و تزئینات نمایشگاهها و پروژهای صنعتی داخل و خارج از کشور.
- طراحی و اجرای انواع هدایای تبلیغاتی.
- ساخت انواع ماکت های صنعتی و عمرانی.
- انجام کلیه امور حرفه ای لیزری، طراحی و لی آت کامپیوتری.

تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۴۱۷۲۹۳